

نسبت خط عربی و مسلمانان جهان با تغییر خط

مقاله

کاظم استادی



چکیده: موضوع تغییر خط فارسی یا عربی، به ویژه پس از انقلاب و به واسطه ظهور تکنولوژی های جدید مانند اینترنت، مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است. آنچه برای مخالفان اصلاح و تغییر خط مهم است موضوع «نسبت خط و مسلمانی ایمان داران به اسلام» یا به عبارت دیگر، قطع ارتباط مسلمانان از معارف اسلام است؛ زیرا معارف اسلام فعلا به خط عربی فارسی در اختیار مسلمانان است. نویسنده در نوشتار حاضر درصدد است موضوع «نسبت خط عربی و مسلمانان» را مطرح سازد. در این راستا، نخست به ارائه اطلاعاتی پیرامون جمعیت مسلمانان و آرایش آن ها و نیز جمعیت استفاده کننده از خط عربی بین مردم جهان می پردازد. در ادامه با شمارش مشکلات پیش روی مسلمانان و خط عربی، تأثیر این خط را در پیشرفت اسلام اظهار می دارد. نسبت مسلمانی (تدین و ایمان) مسلمانان به خط عربی و نیز تأثیر خط در درجه اسلام و مسلمانی و نیز مناسبات اسلامی، از دیگر مباحث مطرح در نوشتار می باشد. نویسنده در نهایت، مطالب خود را با بیان پژوهش در تأثیر تغییر خط در ترکیه به پایان می رساند.

کلیدواژه: خط عربی، تغییر خط، ترکیه.

اشاره

در اواخر قرن بیستم و قرن بیست و یکم که اکنون در آن هستیم، تغییرات جهانی سریع و بی سابقه بوده است. جهان اسلام نیز در کشمکش چگونگی انطباق این تغییرات با جامعه و زندگی مسلمانان قرار گرفته است و برای تمامی ادیان، بر سر اهمیت دو موضوع تجدد و اصالت ها که گاهی مخالف هم در نظر گرفته می شوند، چالش هایی به پا شده است.

یکی از این موضوعات بسیار مهم، تغییر خط در برخی کشورها است. موضوع «تغییر خط فارسی یا عربی»، به ویژه پس از انقلاب و به واسطه ظهور تکنولوژی های جدید مانند اینترنت، مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است.

۱. تعداد جمعیت استفاده‌کننده از خط عربی
۲. تعداد جمعیت مسلمانان که از خط عربی. فارسی استفاده می‌کنند
۳. تعداد جمعیت مسلمانان که از خط عربی. فارسی استفاده نمی‌کنند
۴. نسبت تدین و پابندی به احکام اسلامی مسلمانان به خط عربی
۵. مقدار تأثیر خط عربی در پیشرفت اسلام
۶. تأثیرات تغییر خط در مناسبات اسلامی
۷. تأثیرات تغییر خط در عدم آگاهی مسلمانان به معارف اسلام
۸. پژوهش در تأثیر تغییر خط در مصادیق عینی همانند ترکیه و بسیاری از سرفصل‌های کلی و جزئی دیگر که می‌توان به آن پرداخت و ما به برخی از آنها پرداخته‌ایم.

بنا بر آنچه اشاره شد، بررسی در این مقاله نمی‌تواند فراتر از این آمار و ارقام موجود در رسانه‌ها و مجلات و کتب مختلف باشد. همان‌گونه که اشاره شد، در حال حاضر در پنجاه کشور، بیش از ۵۰ درصد جمعیت‌شان مسلمان هستند که این درصد در کشورهای گوناگون مختلف است. در این پنجاه کشور مسلمان، از پنجاه درصد تا صد درصد مسلمان وجود دارد و به طور میانگین ۸۲ درصد جمعیت این کشورها را مسلمانان تشکیل می‌دهند.

دیگر مسلمانان که در کشورهای غیر مسلمان زندگی می‌کنند نیز دارای تناسب جمعیتی بسیار متفاوتی هستند که از ۴۲ درصد به پایین در تناوبند.

آنچه برای ما در موضوع این مقاله بسیار اهمیت دارد، تنوع خط و زبان در این کشورهاست. در حال حاضر مسلمانان حداقل با بیست زبان مختلف و همچنین صدها گویش تکلم می‌کنند. همچنین تنوع جمعیتی بسیار گوناگونی در بین این زبان‌ها به چشم می‌خورد.

بیش از ۲۵ کشور رسمی عربی است و کل جمعیت این کشورها به ۳۳۰ میلیون نفر می‌رسد. البته شمار کسانی که عربی را مثل زبان مادری به کار می‌برند، از ۱۷۴ میلیون تا ۴۴۲ میلیون نفر برآورد شده است که عده‌ای از آنها دین اسلام ندارند.^۱

مهم‌ترین مشکل در بررسی این موضوع، نسبت «عموم خصوص من وجه» بودن بین خط عربی و مسلمانان است، بدین معنی که الزاماً هر که مسلمان است از خط عربی استفاده نمی‌کند و نیز هر که از خط عربی استفاده می‌کند، مسلمان نیست. بنابراین نتیجه‌گیری در آمار و ارقام در این موضوع، احتیاج به دقت بیشتر دارد.

مخالفتان اصلاح و تغییر خط از ترویج این موضوع واهمه دارند و آنچه برای آنها مهم است، موضوع «نسبت خط و مسلمانی ایمان داران به اسلام» یا به عبارت دیگر قطع ارتباط مسلمانان از معارف اسلام است؛ زیرا معارف اسلام فعلاً به خط عربی فارسی (نه به خطوط دیگر) در اختیار مسلمانان است. بنابراین شاید مهم‌ترین دلیلی که برای آن، برخی مسلمانان و عالمان دینی نسبت به موضوع تغییر خط واکنش نشان می‌دهند، قید اسلام در این موضوع است؛ به این معنی که اگر ارتباطی میان خط عربی و اسلام یا دینداری مسلمانان برقرار نباشد یا ترسی از این قطع ارتباط نبود، دخالت یا مخالفت در بحث تغییر خط برای ایشان موضوعیتی نداشت و به راحتی از کنار آن می‌گذرند یا حتی ممکن است نسبت به انجام آن تشویق هم می‌نمودند، اما آنچه باعث شده تا برخی علمای دین نسبت به طرح این موضوع دلهره داشته باشند، ارتباط و نسبت خط عربی و معارف اسلام است. آنان ترس آن دارند که با تغییر خط، ضربه‌ای یا خدشه‌ای به معارف اسلام یا مسلمانی مردم و آگاهی مسلمانان از معارف اسلام وارد شود. اما با کمی دقت مشخص می‌شود که مطرح کردن خطر از بین رفتن منابع و میراث اسلامی، بیشتر طرحی حاشیه‌ای و قابل پیش‌گیری است؛ چرا که با وجود تکنولوژی‌های کامپیوتری جدید و نرم‌افزارهای بسیار پیشرفته و قوی و در دسترس، به سرعت می‌توان تمام منابع اسلامی را که به خط قدیمی هستند و به نسبت تکنولوژی روز محدود هستند، در خط جدید بازسازی نمود.

چون هیچ تحقیقاتی در تأثیر «تغییر خط» در ادامه حیات منابع اسلامی و مناسبات اسلامی و نیز قطع ارتباط مسلمانان با معارفشان صورت نگرفته است، همین احتمال خطر در مخالفت با تغییر خط، برای علمای اسلام کافی است.

نوشتار حاضر فقط قصد طرح موضوع «نسبت خط عربی و مسلمانان» را دارد تا در آینده اگر کسانی علاقمند بودند، بتوانند هر کدام از این ریزموضوعات را به فراخور خود تحقیق و بررسی کنند تا حد امکان این بحث و موضوع، از ابهام گذشته خارج شود و تصمیم‌گیری درباره آن برای همگان آسان گردد.

در حال حاضر جمعیت کل مسلمانان جهان حدود ۱/۵۷۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر است که در پنجاه کشور جهان تمرکز دارند و عده‌ای نیز در کشورهای مختلف غیرمسلمان پراکنده‌اند.

آنچه فعلاً در دست ماست و می‌توان نسبت به آن تحلیل و گفتگو نمود، همین آمارهای گاهی رسمی و غیررسمی درباره کشورهای مسلمان و کشورهای دیگر است.

برخی سرفصل‌های مطرح در این باره عبارتند از:

۱. دانشنامه آزاد، سه فهرست، اتنولوگ، انکارنا،

جمعیت بومی مسلمانان بالکان نیز رشد قابل توجهی از خود نشان داده و اکنون برابر ۴ میلیون نفر است. مسلمانان ۴۰ درصد جمعیت بوسنی و هرزگوین و ۷۰ درصد جمعیت آلبانی را تشکیل می‌دهند.

در آمریکای شمالی میزان مسلمانان در جمعیت کشورها از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ از ۰/۱ تا ۱/۴ درصد افزایش یافته است. تعداد مسلمانان در ایالات متحده طبق برآوردهای مختلف معادل ۲ تا ۵ میلیون نفر است.^۵

در اتحاد شوروی (جامعه مشترک المنافع) میزان مسلمانان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ از ۸/۵ درصد تا ۱۵ درصد افزایش یافته است. اگر اتحاد شوروی در حدود قبلی خود حفظ شده بود، در حال حاضر میزان مسلمانان در جمعیت آن برابر ۲۰ درصد می‌شد.^۶ در ۱۰ سال اخیر معمولاً تعداد مسلمانان در روسیه برابر ۲۰ میلیون نفر اعلام می‌شد.^۷

جمعیت استفاده‌کننده از خط عربی بین مردم جهان

خط عربی به واسطه فتوحات اسلامی و گسترش اسلام در برخی کشورها که زبان عربی نمی‌دانستند وارد و موجب تغییر خط در آن مناطق شد. از آن جمله ایران و ترکیه هستند. که البته برخی از این مناطق، بعدها خط عربی خود را به خطوط دیگر تغییر داده‌اند و اکنون خط عربی در آنجا رایج نیست.

زبان عربی بزرگ‌ترین عضو شاخه زبان‌های سامی است و با زبان‌های عبری و آرامی هم خانواده است. این زبان دارای ۴۲ زبان است که ۱۴ زبان آن گذشته و ۱۴ زبان دیگر کنونی و ۱۴ زبان دیگر آینده است. زبان عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است.

در حال حاضر چند زبان زنده دنیا هستند که نوشتار آنها به خط عربی یا برگرفته از آن است. زبان فارسی، اردو، پشتو، ترکی و کردی از آن جمله‌اند.

کاربرد خط عربی در جهان

* کشورهای که خط عربی در آن‌ها خط رسمی است
* کشورهای که در آن‌ها کاربرد خط عربی در کنار دیگر خط‌ها رسمیت دارد.

۵. شورای عالی اسلامی آمریکا این رقم را معادل ۱/۵ میلیون نفر اعلام کرده است. معمولاً رقم ۶-۷ میلیون (زیر ۳ درصد) عنوان می‌شود که مسلمانان سیاه‌پوست بیش از ۴۲ درصد آنها را تشکیل می‌دهند. از هر پنج نفر سیاه‌پوست آمریکا یکی مسلمان است. ۲۵ درصد مسلمانان آمریکایی از آسیای جنوبی آمدند و ۱۵-۱۷ درصد عرب هستند. با وجود تشدید کنترل همه مهاجران از جهان اسلام بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مهاجرت همچنان ادامه دارد، آن هم در ابعاد سابق. به گزارش وزارت امور خارجه ایالات متحده در این کشور، ۱۲۰۹ باب مسجد وجود دارند که نیمی از آنها در ۲۰ سال اخیر تأسیس شدند.

۶. در منطقه شمال قفقاز، رشد تعداد مسلمانان و کاهش جمعیت مسیحی اسلاوی واقعاً چشمگیر است. در جمهوری‌های شمال قفقاز مسلمانان بیش از ۷۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند که در ۲۰ سال اخیر تعداد آنها دو برابر افزایش یافته است.

۷. این رقم تقریبی در سخنان رئیس جمهور روسیه، از جمله در اجلاس سال ۲۰۰۳ سران سازمان کنفرانس اسلامی در کوالالمپور مشروعیت یافته، ولی این موضوع به تفسیر احتیاج دارد.

جمعیت مسلمانان^۲ و آرایش آنها

در سال ۱۹۸۰ تعداد مسلمانان در سراسر جهان از ۷۸۰ میلیون نفر گذشت و اوایل سال ۲۰۰۴ نزدیک ۱/۳ میلیارد نفر شد که حدود ۲۲ درصد جمعیت ۶/۱ میلیاردی کره زمین را تشکیل می‌داد.

جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۰۷، ۲۰/۱۲٪ جمعیت ۶/۶ میلیاردی جهان، یعنی ۱,۳۲ میلیارد نفر است که پس از مسیحیت (۳۳/۳۰٪ و ۲/۱۸ میلیارد نفر از جمعیت جهان) در رتبه دوم آیین‌های آسمانی جهان و ادیان ابراهیمی است.^۳

همچنین جمعیت مسلمانان در سال ۲۰۰۹، ۲۳,۲٪ جمعیت ۶,۷۹ میلیاردی جهان، یعنی ۱/۵۷ میلیارد نفر است. نزدیک به ۶۰٪ از مسلمانان جهان در آسیا زندگی میکنند. از این شمار نزدیک به ۲۰۰ میلیون نفر شیعه و بقیه سنی هستند. همچنین ۸/۰٪ از جمعیت کشور آمریکا را مسلمانان تشکیل می‌دهند.^۴

۲۰ درصد مسلمانان در کشورهای بیش از یک میلیاردی چین و هند زندگی می‌کنند (اقلیت مسلمان هند معادل ۱۰۰ میلیون نفر است).

کشورهایی که در میان ۱۰ کشور اول کشورهای مسلمان در مقام‌های بعدی قرار گرفته‌اند عبارتند از: پاکستان (۵/۲ درصد)، اندونزی (۳/۸ درصد)، بنگلادش (۲/۷ درصد) و نیجریه (۳/۲ درصد). با توجه به رشد جمعیت کشورهای مسلمان دیگر، جمع رشد جمعیت مسلمان آنها از دو کشور چین و هند بیشتر می‌شود.

از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی که جمعیت آنها از ۱۰۰ میلیون نفر گذشته است، می‌توان از اندونزی (۲۴۲ میلیون)، پاکستان (۱۶۲ میلیون)، بنگلادش (۱۴۴ میلیون) و نیجریه (۱۳۰ میلیون) که حدود نیمی از آنها مسلمان هستند نام برد.

تعداد مسلمانان در فرانسه بالغ بر ۵ میلیون نفر شده است. این رقم در ایتالیا از ۲۴۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۲ تا ۶۵۰ هزار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت. آلمان ۳ میلیون مسلمان دارد. بریتانیا بیش از ۱/۸ میلیون (سرشماری سال ۲۰۰۱)، هلند ۷۳۰ هزار نفر و ۷۲۰ هزار مسلمان هم در سوئیس زندگی می‌کنند. در کشورهای دیگر نیز جمعیت قابل توجه اسلامی مشاهده می‌شود.

۲. مُسلمان کسی است که دین اسلام را باور دارد. اسلام در زبان عربی از ریشه‌ی (س. ل. م) است. معنی لغوی این ریشه سالم شدن و از آفات رهایی یافتن است. «سلام» مشتق شده از همین ریشه است. با توجه به معنی اسلام، «مسلم» (در فارسی: مسلمان) یعنی کسی که خدا را خالصانه و بی‌ریا می‌پرستد و اختیار خود را تسلیم امر و نهی او می‌کند. واژه «مسلمان» احتمالاً صفت حالیه فارسی واژه عربی «مسلم» است. در زبان عربی چنین واژه‌ای وجود ندارد.

۳. دانشنامه آزاد، به نقل از سایت کتاب حقایق جهان، CIA.

۴. دانشنامه آزاد، به نقل از «یک چهارم جمعیت جهان مسلمان است»، خبرگزاری بی‌بی‌سی، بازبینی شده در ۸ اکتبر ۲۰۰۹.

برای مثال بالاترین نرخ جمعیت مسلمانان جهان، اختصاص به کشور اندونزی دارد که حدود ۱۳۰ میلیون نفر مسلمان در آن وجود دارد که زبان آنها اندونزیایی است.

در این سرفصل نیز منظور استفاده رسمی از خط عربی است؛ چرا که باید به این نکته نیز خوب توجه داشت که بسیاری از مسلمانان در عین حال که از خط عربی استفاده نمی‌کنند، به واسطه خواندن یا آشنایی با قرآن کمی با این خط آشنا هستند که این رقم نسبت به مسلمانانی که اصلاً توانایی خواندن قرآن را ندارند بسیار ناچیز است.

از این مطالب که بگذریم، خط عربی مشکلاتی اساسی دارد که به این مشکلات روزه‌روز افزوده می‌شود و با ظهور فناوری‌های جدید، این فناوری‌ها سهم مهمی برانزوای خط عربی ایجاد می‌کنند.

مشکلات پیش روی مسلمانان و خط عربی

مهم‌ترین اشکالات خط عربی عبارتند از:

۱. الفبای عربی حروف صدا دار ندارد و حرکات، که نماینده حروف صدا هستند، به صورت حرف معینی در جزء کلمه نمی‌آیند^{۱۱} و بدین قرار، حروف بی صدا بدون آنکه حرکت آنها معلوم باشد، در کنار هم می‌نشینند.^{۱۲}

۲. هر حرف شکل جداگانه مشخص و مستقلی ندارد و از ۲۸ حرف الفبای فارسی تنها ۱۶ حرف آن دارای شکل مخصوص است و دیگر حروف یا خیلی به هم شبیه هستند یا هر چند تا از آنها با افزودن یک، دو یا سه نقطه در زیر و زبر حروف یا با یک سرکش از هم جدا می‌شوند.^{۱۳}

۳. حروف غالباً مشابه هستند و با اندک غفلتی به جای هم نوشته می‌شوند و مطلب را به کلی دگرگون می‌سازند؛ مانند در، ور، رد.

۴. بعضی از حروف خوانده می‌شوند، ولی نوشته نمی‌شوند؛ مانند هکذا، لهذا، اسمعیل، رحمن.

۵. بعضی دیگر نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند؛ مثل خواجه، خواهر، خواهر، خویید، خوار، عمرو.

۶. پاره‌ای از حروف به صورتی جز آنچه نوشته می‌شوند، به تلفظ درمی‌آیند مانند مرتضی، یحیی، اعلی، جسارتاً و عجالاً.

۱۱. حرکات یا حروف صدا دار که در الفبای عربی به طور مستتر و نامرئی به کار می‌روند، عبارتند از زبر یا فتحه، زیر یا کسره، پیش یا ضمه؛ فتحین یا دوزبر، کسرتین یا دوزیر، ضمتین یا دو پیش؛ جزم، مد و تشدید یا شده.

۱۲. پس خواننده باید با سابقه ذهنی و آشنایی با خود کلمه و توجه به سیاق کلام، تلفظ درست آن را حدس بزند و اگر کلمه‌ای به تنهایی (نه در میان عبارت) عرضه شود، هیچ استاد دانشمندی نمی‌تواند آن را درست بخواند و به مراد نویسنده پی ببرد.

۱۳. بدین قرائن، (ب ت ث)، (ج ح خ)، (د ذ)، (ر ز)، (س ش)، (ص ض)، (ط ظ)، (ع غ)، (ف ق)، (ک ل)، م، ن، و، ه، ی. بنابراین اگر در تند نویسی و یا در نتیجه غفلت کاتب و خروفتین، یک یا چند نقطه بیفتد یا اضافه شود یا جایجا گردد و یا آنکه بر اثر مرور زمان از بین برود، مقصود نیز از دست می‌رود و عبارت نامفهوم می‌گردد و خواننده باید با حدس و تخمین، مطلب را دریابد. کاری که به آسانی امکان‌پذیر نیست؛ مانند بخريد و نخريد، سز و سز، حز و حزو، محرم و مجرم، دليل و ذليل، خيرو خيرو، حيز و حيزو، چتر و چتر.

اگر همه کشورهای عرب زبان که بیشتر از خط عربی استفاده می‌کنند را با کشورهایی که اکنون از خط عربی استفاده می‌کنند، همانند افغانستان، ایران و پاکستان و... با هم جمع کنیم، حدود ششصد میلیون نفر از جمعیت دنیا در حال حاضر با خط عربی می‌توانند بنویسند و بخوانند که این رقم کمتر از حدود ۱۰ درصد جمعیت فعلی جهان را تشکیل می‌دهد.

جمعیت مسلمانانی که از «خط عربی» استفاده می‌کنند

منظور از استفاده کردن خط عربی، آشنایی با آن یا استعمال گاه‌گاهی از این خط نیست، بلکه مقصود استفاده رسمی از خط عربی در نوشته‌ها و آن هم به صورت ممتد و یا غالبی است.

همان‌گونه که یاد شد، شمار کسانی که عربی را همچون زبان مادری به کار می‌برند ۱۷۴ تا ۴۴۲ میلیون تن است. عربی زبان رسمی ۲۵ کشور است که کل جمعیت آن‌ها نیز بر اساس آمار سیا ۳۲۹ میلیون تن است.^۸

با توجه به این نکته، اگر حدود ششصد میلیون نفر جمعیت حال حاضر دنیا را که با خط عربی می‌نویسند و می‌خوانند، از غیر مسلمانان آنها کسر کنیم، اکنون حدود ۵۰۰ میلیون نفر مسلمان در کشورهای مختلف از خط عربی یا مشابه آن استفاده می‌کنند و احتمالاً توانایی خواندن قرآن کریم را دارند.

بنابراین حدود سی درصد یا یک سوم مسلمانان جهان فعلاً از خط عربی بهره‌مندند که البته نباید فراموش کرد که بسیاری از آنها افزون بر خط عربی با خط لاتین^۹ نیز آشنا هستند.

جمعیت مسلمانانی که از «خط عربی» استفاده نمی‌کنند

در حال حاضر آنچه بسیار با اهمیت تر است، آن است که چه تعداد از مسلمانان از خط عربی استفاده نمی‌کنند و آیا در آینده بر این تعداد افزوده خواهد شد یا نه؟

طبق آمارهایی که در قبل گذشت، حدود یک میلیارد مسلمان در حال حاضر خطی به غیر از خط عربی دارند که بیشتر خط آنها لاتین است. به عبارت ساده‌تر، دو سوم از مسلمانان جهان یا بهتر بگوییم، بیشتر مسلمانان جهان خط رسمی‌شان خط عربی نیست و توانایی خواندن قرآن یا مراجعه به متون اسلامی به خط عربی را ندارند.

۸. دانشنامه آزاد، سه فهرست، اتنولوگ، انکارتا،

2006. Retrieved on 2007-02-18

۹. الفبای لاتین که الفبای رومی نیز خوانده می‌شود، پر استفاده‌ترین خط الفبایی در دنیا می‌باشد. سرچشمه این خط بنا به باور پژوهندگان، به خط اقوام اتروسک که ساکنان اولیه ایتالیا بودند، مربوط می‌شود. این خط از گونه‌های غربی الفبای یونانی برگرفته شد و نخستین بار در روم باستان برای نوشتن زبان لاتین به کار رفت. پس از سده یکم پس از میلاد در الفبای لاتین قواعد زیبایی‌شناسی ویژه‌ای پدیدار گشت. این امر نخست در کتیبه‌ها و سپس با تغییرات جزئی در کتب تحقق یافت.

اکنون باید محققان بررسی نمایند که تأثیر خط عربی در پاسداشت یا پیشبرد و پیشرفت اسلام و مبانی اسلامی چگونه است؟ یا چگونه بوده است؟ آیا این تأثیر آن قدر اساسی است که بتوان از یک میلیارد مسلمان جهان چشم‌پوشی نمود؟

وقتی بیشتر مسلمانان جهان توانایی خواندن قرآن کریم را به خط عربی ندارند، آیا تنها با تحریم چاپ قرآن به خط لاتین می‌توان جلوی گسترش و نفوذ خط لاتین در بین مسلمانان و جوانان را گرفت. آیا جهان اسلام توانایی جلوگیری از نفوذ اینترنت لاتین را در کشورهای اسلامی دارد؟ و سؤال‌های بسیار دیگر.

اما این مقاله در پی اثبات تأثیر یا رد این موضوع نیست، بلکه علاقمند است تا به این موضوع توجه شود و هر چه زودتر نسبت به آن پژوهش و تحقیق صورت گیرد. در سرعت گذر زمان، عدم توجه به این موضوع و اهمیت آن باعث خدشه به اسلام می‌شود.

در حال حاضر بحث خط عربی و خط لاتین، متوجه بسیاری از مسلمانان جهان است و چشم‌پوشی از بررسی آن توسط علما و محققین، نمی‌تواند سبب عزت و نگهداشت خط عربی گردد.

تأثیر خط عربی در پیشبرد و پیشرفت اسلام

این سرفصل و دو سرفصل دیگر که می‌آید، سرفصل‌هایی هستند که هیچ‌گونه آمار و ارقامی درباره آنها نداریم و هیچ‌گونه تحقیقی تاکنون درباره آنها صورت نگرفته است.

در این میان مهم‌ترین پرسش درباره این موضوع این است که:

آیا گسترش اسلام تنها در سایه خط عربی خواهد بود؟

موافقان و مخالفان بحث تغییر خط، باید به روشنی و دقت پاسخ‌گوی آن باشند. برای دقیق‌تر شدن بررسی این سرفصل لازم است آن را به ریز موضوعاتی تقسیم نماییم.

این بحث را می‌توان حداقل به دو شاخه تقسیم کرد:

۱. آیا خط عربی باعث نفوذ و گسترش اسلام در کشورها و مناطق گوناگون شده است؟

۲. آیا خط عربی اکنون یا در آینده می‌تواند باعث پیشرفت اسلام در مناطق مختلف گردد؟

سؤال اول را این‌گونه می‌توان مطرح نمود که آیا اگر پیامبر اکرم (ص) در کشور یونان مبعوث به رسالت می‌شدند، دین اسلام به واسطه وجود خط لاتین در آن منطقه، ترویج و گسترش پیدا نمی‌کرد؟ به عبارت دیگر آیا خود خط موضوعیتی در ترویج و نفوذ اسلام در بین مردمان مسلمان داشته است؟

۷. بعضی از حروف برای بیان چند تلفظ جداگانه به کار می‌روند؛ مانند واو و حرف ی.

۸. حروف در کتابت به هم متصل می‌شوند و بر حسب آنکه در اول، وسط یا آخر کلمه قرار گیرند، صورت اصلی خود را از دست داده و به صورت و اشکال گوناگون نمایان می‌گردند.^{۱۳}

۹. نوشتن از چپ به راست آسان‌تر است.

۱۰. تطابق نداشتن با تکنولوژی روز.

ممکن است بسیاری از این اشکالات در خطوط دیگر و نیز خط لاتین وجود داشته باشد، اما در حال حاضر با جهانی شدن ارتباطات و بهره‌برداری نشدن خط عربی در اینترنت، خط لاتین به عنوان خطی بین‌المللی مورد توجه تمامی ساکنان کره زمین قرار گرفته است که این شمول، تمامی مسلمانان را نیز در برمی‌گیرد. بنابراین توجه به خط مسلمانان و نیز موضوع تغییر خط، نمی‌تواند فارغ از توجه به اینترنت و فناوری‌های مهم آن باشد.

اینترنت

انقلاب اطلاعات و ارتباطات در حال شکل‌دهی دوباره جهان است و اینترنت در رأس این جریان قرار دارد. اثر اینترنت بر تمام جنبه‌های زندگی مبهوت‌کننده است و اثراتی آن هنوز بطور کامل نامعلوم است.

اخیراً اینترنت به عنوان پدیده‌ای مقرون به صرفه و سریع‌ترین روش ارائه دانش، اطلاعات و اخبار به بیلیونها نفر در دنیا ظهور نموده است. اینترنت به همین صورت می‌تواند برای نشر عقاید و مذهب اسلامی به کار برود.^{۱۴} نیز مسلمانان به سادگی می‌توانند به غیرمسلمانان روش زندگی را بیاموزند و تلقی صحیح از اسلام را در دیدگان غرب ارائه کنند.

البته آنچه مانع گسترش اینترنت در کشورهای اسلامی شده است، تفوق مطالب اینترنتی انگلیسی زبان است. هر چند که موضوعات عربی زبان رو به افزایش بوده و نرم‌افزارهای موجود عربی برای استفاده از شبکه ارتقاء یافته‌اند، اما کاربرانی که انگلیسی صحبت نمی‌کنند، در توانایی برای دستیابی به منابع اینترنتی عقب می‌مانند.

اما چه باید کرد؟

چه به فکر آینده اسلام باشیم و چه نباشیم، بررسی این موضوع که خط عربی به چه میزان باید پاسداری شود بسیار مهم و با اهمیت است.

۱۳. مثلاً حرف ب به چهار صورت نوشته می‌شود: به تنهایی، ب؛ در اول کلمه، ب؛ در وسط کلمه، بب؛ در آخر کلمه، بب. بدین قرار شماره حروف الفبا که در بیشتر زبان‌های رایج دنیا از ۲۵ تا ۳۰ حرف ثابت و لایتغیر بیش نیست، در عربی به میزان سرسام‌آوری تا ۱۲۰ صورت افزایش می‌یابد. (رک به: یحیی آربین پور؛ از نیما تا روزگار مآه تهران: روزگار، ۱۳۸۷، ج ۳، بخش تغییر خط فارسی).

۱۴. با اینترنت مسلمانان می‌توانند اطلاعات مهمی درباره اسلام که در زندگی به آن احتیاج دارند را به دست آورند. برای مثال می‌توانند اطلاعات مربوط به اوقات شرعی نماز، محل مساجد و بخشهایی از قرآن را بگیرند. همچنین می‌توانند اطلاعات دیگری را نیز که مورد علاقه‌شان است مانند تحقیقات، ادبیات و آمار اسلامی را دریافت کنند.

عربی بهره برده‌اند یا خیر. در آن زمان شاید بتوان خط عربی را نسبتی با مسلمانی داد.

اما به هر روی نسبت تدین و اسلام مسلمانان را حداقل از دو جنبه می‌توان بررسی نمود:

۱. از لحاظ نظری (اصول الدین^{۱۵} و اعتقادات)

۲. از لحاظ عملی (فروع الدین^{۱۶} و اخلاقیات)

از منظر نظری که راه به جایی نمی‌بریم؛ چراکه مسلمانان جهان از فرقه‌های بسیار متنوعی از اعتقادات برخوردارند و تنها وجه اشتراک آنها توحید خداوند متعال است که همان نیز در دامنه‌های مختلفی توسط گروه‌های مسلمان تعریف می‌شود. اگر بخواهیم اصول اعتقادات خاصی را معیار بررسی قرار دهیم، درصد محدودی از مسلمانان را تشکیل خواهد داد و به این ترتیب جامعیت تحقیق خدشه‌دار می‌گردد. بنابراین چون بررسی شاخصه توحید نیز به تنهایی امکان‌پذیر و کارساز نیست، مجبوریم از بررسی نظری مسلمانان صرف نظر کنیم. اما از لحاظ عملی، مخصوصاً شاخصه‌هایی همانند فروع الدین و اخلاقیات،^{۱۷} پژوهش و بررسی میان مسلمانان امکان‌پذیر است و تا اندازه‌ای می‌تواند گویا و دارای جامعیت تحقیق باشد.

بسیاری از دستورات و احکام اسلامی^{۱۸} بین مسلمانان جهان یا جهان اسلام، مشترک و قابل سنجش است و با توجه به معیارها و

بنا بر آیات قرآن مجید، هر پیامبری به لسان قوم خود مبعوث شده است و این بحث معلول لسان نیست، بلکه ظرف وقوع بعث است. البته این موضوع احتیاج به شکافته شدن و تبیین بیشتر دارد که فعلاً در این مجال نمی‌گنجد.

سؤال دوم دامنه وسیع‌تری دارد؛ چرا که با وجود ارتباطات جدید و فناوری‌های روز، جهان و مردم آن بسیار درهم تنیده و منسجم شده است و شکلی واحد پیدا نموده است. بنابراین وقتی صحبت از خط عربی در حال حاضر یا آینده جهان برای پیشرفت اسلام می‌شود، پرداختن به آن و توجه در آن بسیار حائز اهمیت است.

اکنون بیش از ۶/۵ میلیارد نفر در جهان زندگی می‌کنند که یک چهارم آنها مسلمان هستند. اسلام به خودی خود، محدودیتی در گسترش و جهانی شدن ندارد و قابلیت خوبی برای همه‌گیری در خود جای داده است، اما آیا این گسترش فقط در سایه خط عربی امکان دارد؟

آیا بدون وسایل ارتباطی امکان‌پذیر است؟ زبان و خط به طور عام، مهم‌ترین وسایل ارتباطی میان انسان‌ها هستند. بنابراین آسانی خط و در دسترس بودن و مطابقت با تکنولوژی‌های روز دنیا، برای همه‌گیر شدن دین اسلام بسیار ضروری یا حداقل مؤثر است.

بنابراین پرداختن به این سؤال مهم است که آیا فقط خط عربی، اکنون یا در آینده می‌تواند باعث پیشرفت اسلام و نفوذ توحید، ایمان و معارف اسلام در بین مردم جهان گردد؟

نسبت مسلمانی (تدین و ایمان) مسلمانان به خط عربی

آنچه در اسلام موضوعیت دارد، نفس ایمان و گرایش مردم به سوی خداوند باری تعالی است. به عبارت دیگر احکام و قوانین اسلامی و سنت‌های پیامبر اکرم (ص) به خودی خود دارای ارزش مجزا و مستقل نیستند و زمان محترم و تقدیس می‌شوند که منجر به ایمان و رسیدن به توحید الهی گردند.

از این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که اگر خط نسبتی با تدین مسلمانان داشته باشد، حفظ و نگهداری آن از باب مقدمه واجب، واجب است و الا فلا.

جدای از بحث «قطع ارتباط مسلمانان با معارف اسلام در موضوع تغییر خط» بسیار مناسب است تا گروهی از محققین، به دقت تحقیق نمایند که با توجه به شاخصه‌هایی که از ایمان در کشورهای مسلمان می‌توان داشت، کدام کشور مسلمان یا کدام یک از گروه‌ها، دارای مسلمانان متدین‌تر و پایبندتر به معارف است و کدام یک آنها از درجات شاخصه‌های ایمان کمتری برخوردارند. پس از آن تحقیقات، به خوبی مشخص خواهد شد که کشورهای برتر مسلمان کدامند و آیا از خط

۱۵. اصول دین پایه‌های اعتقادی دین است که نخست باید به آنها ایمان آورد و سپس به فروعی که از آن برخاسته است پایبند بود. اصول دین مربوط به اعتقاد است و فروع دین مربوط به عمل. اصول دین از نظر اهل سنت، توحید، نبوت و معاد و از نظر شیعه عدل و امامت نیز اضافه می‌گردد، پایه‌های اعتقادی ادیان را شامل می‌شود و در زبان‌ها، زمان‌ها و اقوام مختلف صور متفاوتی به خود گرفته است. اعتقاد به اصول دین باید از روی تحقیق باشد، نه تقلید. کسی که به اصول دین اعتقاد ندارد، از دین بیرون است. در آغاز برخی از رساله‌های عملیه از اصول دین سخن رفته است. توحید، نبوت و معاد اصول مشترک دین اسلام‌اند و دو اصل امامت و عدل از مسلمات مذهب شیعه‌اند و هر کس به آنها ایمان ندارد، از مذهب شیعه بیرون است، گرچه از اسلام بیرون نیست.

۱۶. در اصطلاح دین اسلام، فروع را بر مسائلی اطلاق می‌کنند که به عمل و عبادات مربوط است. به طور کلی احکام شرعی اسلام یا متعلق به عمل و طاعت است یا متعلق به معرفت و اعتقاد، قسمت اول را احکام فرعی یا عملی و قسمت دوم را احکام اصلی یا اعتقادی می‌گویند. (دهخدا)

۱۷. اخلاقیات (روش، شخصیت و رفتار پسندیده) مربوط می‌شود به مفهوم رفتار انسانی در مواجهه با موضوع درست و نادرست که همچنین خوب و بد نیز خوانده می‌شوند. اخلاقیات در دو زمینه به کار می‌روند: تمیز فردی (خوب از بد) و دوم روش‌های رفتاری که گاه به عنوان «عرف رفتاری» نهادینه شده در یک گروه فرهنگی، مذهبی، اجتماعی یا فلسفی شناخته می‌شود. اخلاقیات فردی با اهداف درست یا غلط، انگیزه‌ها یا اعمال تعریف و تمیز داده می‌شوند؛ اهدافی که آموخته شده‌اند، ایجاد شده‌اند یا از طرف اشخاصی که در گروه هستند توسعه یافته‌اند.

۱۸. احکام اسلام به مجموعه فرامین عملی و عبادی اسلامی گفته می‌شود. این احکام شامل آداب و مناسک اسلامی و همچنین عبادات هستند. احکام اسلام در علم فقه شرح و بسط می‌یابند و شامل دو گروه حکم تأسیسی و حکم امضایی هستند. مسلمانان در جوامع اسلامی رعایت احکام اسلامی را به صورت سنتی یک ضرورت می‌دانند. به قوانین اسلامی شریعت گفته می‌شود و فلسفه حقوقی اسلام را فقه می‌گویند و بیشتر شیعیان منابع فقهی را به قرآن، سنت، اجماع و عقل تقسیم می‌کنند، اما اهل تسنن معمولاً منابع فقهی را به قرآن، سنت، اجماع، قیاس طبقه‌بندی می‌کنند.

آیا تحقیق شده است که درصد نفوذ ترکیه در پیشبرد اسلام در منطقه، به واسطه تغییر خط چگونه می‌باشد؟ و بسیاری از سؤالات دیگر.

بنابراین لازم است که حداقل برخی پایان‌نامه‌ها و تحقیقات میدانی درباره تأثیرات تغییر خط در مناسبات اسلامی صورت پذیرد تا دلایل علمی و محکمی دال بر رد یا اثبات موضوع تغییر خط ارائه شود.

پژوهش در تأثیر تغییر خط در مصادیق عینی همانند ترکیه

پژوهش در تأثیرات تغییر خط در ترکیه را حداقل از دو جنبه می‌توان بررسی نمود:

۱. بررسی شاخص‌های نظری (اصول‌الدین و اعتقادات) در ترکیه، قبل از تغییر خط و بعد از تغییر خط.
۲. بررسی شاخص‌های عملی (فروع‌الدین و اخلاقیات) در ترکیه، قبل از تغییر خط و بعد از تغییر خط.

با ذکر مقدمه‌ای به برخی از جنبه‌های بحث گذرا توجه می‌کنیم. البته خود واقفیم که بررسی دقیق و کامل آن احتیاج به امکانات و زمان فراوان و نیروی تحقیقاتی زیاد دارد که ملزومات آن اکنون در دست ما نیست.

حضور اسلام در ترکیه و نحوه ارتباط آن با سیاست را به شش دوره می‌توان تقسیم کرد:

۱. دوران حکومت‌های قبل از عثمانی که تا مدتی مشروعیت خود را از خلیفه عباسی گرفته بود و بعد از آن نیز رابطه دین و دولت در آنها تعیین‌کننده بود.^{۱۹}
۲. دوران اول خلافت عثمانی که خلافت سنی در یک سیرتفوق و غلبه تاریخی از اعراب به ترکان عثمانی انتقال یافته بود.^{۲۰}
۳. یکصد سال آخر امپراتوری عثمانی که به دوره تنظیمات و اصلاحات معروف است که به تدریج از تأثیرگذاری دین کاسته می‌شود.
۴. این دوره با ایجاد حکومت جمهوری و لغو سلطنت و خلافت توسط مصطفی کمال پاشا آغاز شده و نقطه عطف تاریخ لائیسزم و مذهب زدایی است.
۵. این دوره بعد از استقرار نظام چندحزبی و شکسته شدن استبداد تک‌حزبی آغاز شده که مذهب شکل پویاتری به خود می‌گیرد و مسلمانان فعال می‌شوند.^{۲۱}
۶. این دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و انجام کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰م ترکیه آغاز و تا زمان حال ادامه پیدا کرده است.

۱۹. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: ابن بی بی، یحیی ابن محمد؛ اخبار سلاجقه روم؛ به اهتمام محمدجواد مشکور؛ تبریز: کتابفروشی تهران ۱۳۵۰ش.

۲۰. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: اسماعیل حقی، اوزون چارش لی؛ تاریخ عثمانی؛ ترجمه ایرج نوبخت؛ تهران: کیهان، ۱۳۶۸ش.

۲۱. پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی ترکیه.

شاخص‌هایی می‌توان میزان پایبندی و التزام جوامع مسلمان را به آن دستورات و احکام بررسی کرد نسبتی میان آن و خط عربی برقرار کرد.

مثلاً این شاخصه‌ها می‌تواند پایبندی مسلمانان هر منطقه به عناوین زیر باشد:

- نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی، تبری و ...
- دروغ، دزدی، فحشا، غیبت، وفای به عهد، کمک به نیازمندان، قتل، حسن خلق و ...

تأثیر تغییر خط در درجه اسلام و مسلمانی و نیز مناسبات اسلامی

پس از بررسی هر کدام از شاخصه‌هایی که در سرفصل قبل گذشت و نتیجه‌های به دست آمده از آن، می‌توان تأثیر تغییر خط را در صعود و نزول این شاخصه‌ها در نظر گرفت و سپس به این پرسش‌ها پاسخ داد که:

۱. آیا تغییر خط موجب عدم آگاهی و قطع ارتباط مسلمانان به معارف اسلامی خواهد شد؟

الف: تغییر خط در کل جهان اسلام

ب: تغییر خط در یک کشور یا برخی از کشورهای اسلامی

۲. آیا تغییر خط موجب اختلال در روابط و مناسبات اسلامی بین کشورها و فرهنگ‌های اسلامی خواهد شد؟

تمام کسانی که مخالف اصلاح یا تغییر خط هستند و یا حداقل موافق آن نیستند، هیچ تحقیقی درباره تأثیرات تغییر خط نداشته‌اند، بلکه اظهار نظرهای آنها، همگی حدس‌هایی است که مطرح می‌کنند و می‌گویند: اگر خط تغییر نماید فلان و فلان می‌شود.

اکنون بحث ما در خوبی یا بدی تغییر خط نیست و قصد نداریم موضوع تغییر خط را ترویج نمایم، بلکه شما را به این حقیقت توجه می‌دهیم که نه موافقان تغییر خط و نه مخالفان تغییر خط، هیچ‌کدام پا را از حدس و گمان فراتر نگذاشته‌اند و همه احتمالاتی را در نظر گرفته‌اند و پای بر آن می‌فشارند.

مثلاً درباره ترکیه و تغییر خط در آن مطالب بسیاری گفته شده و هر کدام بدون تحقیقات علمی و فراگیر، شواهدی بر اثبات ادعای خود تقریر نموده‌اند، اما آیا تاکنون فردی یا مؤسسه‌ای تحقیق نموده است که: آیا تغییر خط در ترکیه به تحکیم و گسترش اسلام و ایمان در آن کشور انجامیده است و یا خیر؟

آیا تحقیق شده است که درصد مسلمانان ترکیه پیش از تغییر خط و پس از آن چه نسبتی داشته است؟

کنند.^{۲۳}

به طور خلاصه این اقدامات را می توان بدین گونه برشمرد:

۱. الغای سیستم خلافت دینی.^{۲۴}
۲. تشکیل محاکم استقلال.^{۲۵}
۳. انجام تغییرات دولتی در کلیه امور مربوط به دین.^{۲۶}
۴. تغییر اجباری پوشش مردم.^{۲۷}
۵. تخریب و نابودی مسجدها و مکان های مذهبی.^{۲۸}
۶. حذف آموزش دینی از جامعه و تعطیلی کلیه مراکز علمی و آموزشی دینی.^{۲۹}
۷. حذف کلیه قوانین اسلامی و جایگزین کردن قوانین کشورهای دیگر در ترکیه.^{۳۰}
۸. ایجاد خانه های خلق و انستیتوهای روستایی.^{۳۱}
۹. حذف اسلام و گنجاندن لائیسزم در قانون اساسی.^{۳۲}

۲۳. سوسرهای یکی از حقوق دانان سوئیس می گوید: «با اصلاحاتی که در ترکیه انجام شد، امکان ندارد انسان تعجب خود را پنهان نماید... در هیچ جای دنیا تجربه ای جسورانه تر از آنچه در ترکیه صورت گرفت، سراغ نداری». (لائیسزم در ترکیه، ص ۴۰)

۲۴. آتاترک چون وجود حکومتی که خلیفه در رأس آن به عنوان رهبر مسلمانان تلقی شود را مانع بزرگی به حساب می آورد، تلاش خود را در جهت الغای سیستم خلافت مصروف داشت که در این راستا برخی مخالفان به سرعت اقدام شدند. (لائیسزم در ترکیه، ص ۲۸).

۲۵. آتاترک برای از بین بردن مخالفان تفکر لائیسزم محاکمی را ایجاد کرد که اعضای آن مستقیماً از طرف وی انتخاب می شدند و دارای اختیارات وسیعی بودند که افرادی را به جرم خیانت به سبب جانبداری از شریعت به اعدام محکوم می کردند. (لائیسزم در ترکیه، ص ۵).

۲۶. براساس این اقدامات، بیشتر پست های مربوط به دین از جامعه حذف شدند و آموزش دینی، چاپ کتاب های مذهبی و هرگونه اقدامی که به نحوی با دین در ارتباط بود ممنوع شد و خدماتی که در زمینه های دینی به مردم ارائه می شد، یکجا توسط حکومت لائیک از میان برداشته شد. (لائیسزم در ترکیه، ص ۱۶). این گونه اقدامات شدید و افراطی حتی در کشورهایی مانند فرانسه که خود را بنیان گذار لائیسزم می دانند رخ نداد و عملاً سردمداران انقلاب فرانسه به محدوده سنتی نهاد های دینی وارد نشدند.

۲۷. براساس قانونی که در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۵م از تصویب مجلس ترکیه گذشت، پوشیدن کلاه اروپایی به عنوان سمبل تمدن و تجدد اجباری شد و عده زیادی برای اعتراض به این قانون اعدام شدند. تغییر در پوشش بانوان و کشف و کنار زدن حجاب از آنان به صورت گسترده ترو خشونت بازتری در مورد زنان به اجرا درآمد.

۲۸. به نوشته روزنامه آکیت ترکیه در ابتدای تسلط لائیسزم تنها در استانبول ۱۰۰۰ مسجد تخریب شدند و تعداد بیشتری نیز در سراسر کشور به صورت میخانه، کازینو، انبار و آغل درآمدند. (لائیسزم در ترکیه، ص ۲۲).

۲۹. لائیسزم در ابتدای حاکمیت خود کلیه مدارس و آموزشگاه های سراسر کشور را تعطیل کرد و عالمان و مدرسان دینی را عملاً از مناصب قبلی خود کنار زد. این در حالی بود که مسیوین های مسیحی صدها مدرسه و آموزشگاه را در سراسر ترکیه برای مسیحی کردن مردم تأسیس کردند. در ظرف ۱۶ سال تحت تسلط لائیسزم، از بین ۱۵ میلیون جوان، تنها تعداد ۲۸۷ نفر به صورت رسمی اجازه فراگیری قرآن را به دست آوردند.

۳۰. مصطفی کمال اندکی بعد از تسلط کامل کلیه قوانین و مقررات اسلامی را ملغی اعلام کرد و در پی به وجود آمدن خلاء قانون در این کشور قوانین مدنی، جزایی و حقوقی دیگر کشورها بدون دز نظر گرفتن شرایط ترکیه و بدون تغییر، ترجمه شده در دستور کار قرار گرفت. شاید از غریب ترین قوانین که به اجرا درآمد، عقوبت جزایی درباره عقد شرعی در ترکیه است که در صورت وقوع عقد شرعی و عدم ثبت در شهرداری افراد عقوبت می شدند. (لائیسزم در یک نگاه، ص ۲۶۲).

۳۱. این مرکزها که به وسیله حزب حاکم جمهوری خواه، در سراسر کشور ایجاد شده بود به منظور تبلیغ لائیسزم به وجود آمده بود که عملاً به مرکزهای فساد تبدیل شده بود و هدف آنها جدا ساختن ترکیه از علقه های تاریخی و فرهنگی و تربیت نسل جوان تک بعدی، نیمه میلیتاریست و طرفدار کمونیسزم بود.

۳۲. آتاترک پس از تحکیم پایه های قدرت دین اسلام را که دین رسمی کشور بود از قانون اساسی

اما آنچه برای ما مهم است، مبدأ تغییر خط عربی به لاتین در ترکیه است. بنابراین مقیاس بررسی ما دو مقطع زمانی، یعنی «ترکیه عثمانی» بعد از ظهور اسلام تا زمان تغییر خط و «ترکیه بعد از تغییر خط تا کنون» است.

دولت عثمانی به عنوان بزرگ ترین و پهناورترین دولت اسلامی پس از فروپاشی خلافت عباسی شناخته می شود. این دولت در سده های هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) در سرزمین آناتولی ظهور کرد. در سده چهاردهم به رهبری بایزید اول (ایلدرم بایزید) قلمرو آن در قاره اروپا گسترش چشمگیریافت و در اوایل نیمه دوم سده پانزدهم با فتح قسطنطنیه، به رهبری سلطان محمد دوم (فاتح)، در مقام تنها وارث امپراتوری روم شرقی (بیزانس) جای گرفت. بدینسان در پایان سده پانزدهم، دولت عثمانی به اوج اقتدار و شکوه خود دست یافت؛ اقتدار و شکوهی که بیش از یک سده دوام آورد. در این دوران، عثمانی نه تنها از نظر وسعت قلمرو و کثرت اتباع، اقتدار نظامی و سیاسی، نظم و سامان اجتماعی و ثروت دولت و سعادت و رفاه ملت. اولین دولت اروپایی به شمار می رفت، بلکه از نیمه سده شانزدهم میلادی، خود را وارث رسمی خلافت اسلامی و رهبر جهان اسلام نیز می دانست.^{۲۲}

برای سهولت در بررسی تأثیرات تغییر خط در ترکیه، فرض را بر این می گذاریم که ترکیه در دوران ماقبل تغییر خط، وضعیت مناسبی از شاخصه های اسلامی داشته است. بنابراین اگر این وضعیت در دوران پس از تغییر خط عربی در ترکیه رشد و یا حتی آن وضعیت دوران عثمانی حفظ شده باشد، می توان نتیجه گرفت که تغییر خط تأثیری در شاخصه های اسلامی ترکیه نداشته است.

بررسی وضعیت دوران ترکیه پس از تغییر خط تا کنون

نخستین قانون اساسی جمهوری ترکیه که در سال ۱۹۲۴ میلادی تهیه شده است، دین رسمی ترکیه را اسلام تعیین نموده است، اما در اصلاحات قانون اساسی سال ۱۹۲۸ این ماده قانونی حذف و با تأکید بر جدایی دین از سیاست، ترکیه کشوری با دولت و حکومت سکولار (جدایی دین از سیاست) معرفی گردیده است.

اقدامات اسلام ستیزانه آتاترک که همزمان با غرب گرایی شدید در ساختارهای جامعه ترکیه صورت می گرفت با نوعی زیاده روی و به صورت خشونت بار بر جامعه تحمیل گردید، به طوری که اروپاییان نیز از این افراط لائیک های ترکیه نمی توانستند تعجب خود را پنهان

۲۲. در این زمان عثمانی کشوری پهناور بود که قلمرو آن در اروپا تا نزدیکی شهر وین امتداد داشت و بخش عمده سرزمین های جنوب دریای مدیترانه و شبه جزیره عربستان را در بر می گرفت و از شمال به رود دن و از شرق به مرزهای ایران محدود بود. از منظر اروپاییان غربی این دولت مهم ترین تجلی تمدن اسلامی به شمار می رفت و داد و ستد و تعارض های فرهنگی و سیاسی و نظامی با آن نقش اصلی در تکون انگاره ای داشت که غربیان از اسلام کسب کردند. برای اطلاع بیشتر: (Osmanlı Devletinde Ehlî Sunnetin Sia'ya Tenkitleri, İstanbul, OSAY, ۲۰۰۰).

ایجاد انگیزه نقش خواهند داشت.^{۳۷}

بیشترین روشنفکران ریشه در شهرهای دور دست ترکیه دارند که مهاجرت آنها به شهرهای بزرگ یکی از ریشه‌های حرکت اسلامی موجود است که به نوعی به هویت یابی اسلامی منجر شده و حتی ناسیونالیست‌ها و سکولاریست‌ها را نیز به خود جلب کرده است.^{۳۸}

گرایش به شعارهای دینی و واجبات اسلامی در اجتماع یکی از نشانه‌های اسلام‌گرایی در ترکیه به شمار می‌رود؛ چرا که عمل به واجبات اجتماعی دین اسلام همانند روزه ماه رمضان و حضور مردم در مسجدها هنگام نماز، به خصوص نماز جمعه باعث شده است که سیاستمداران لائیک و ناظران غربی از آن به اسلامی شدن جامعه سیاسی ترکیه تعبیر کنند.^{۳۹}

مساجد در ترکیه

در این دو دهه اخیر فعالیت‌های مساجد رو به رشد بوده است و مردم نسبت به سال‌های قبل بیشتر به مساجد روی آورده‌اند. در ماه رمضان نیز جماعات اهل سنت برای خواندن نمازهای تراویح مساجد را پرمی‌کنند.

با وجود همه موانع هزاران نمازگزار در روزهای جمعه به مسجدهای بزرگ و کوچک شهرهایی مانند سلطان احمد، سلیمانیه، فاتح، ارتاکوی در استانبول، الوجامی و مورادیه در بورسا و کجاطپه در آنکارا می‌روند. همچنین در دو عید قربان و فطر، روز میلاد رسول، روز معراج، روز برائت و شب قدر مساجد ترکیه پرمی‌شود، اما در روزهای عادی و به هنگام نمازهای یومیه، چنین به نظر می‌رسد که مسجدها فقط به پیران اختصاص دارد. جوانان سنی و شیعه از نمازهای یومیه هستند.

بر اساس آمار مؤسسه دیانت دولت ترکیه، امروز در این کشور ۷۵۴۹۱ مسجد وابسته به همین مؤسسه وجود دارد. با این حال حدود ۱۵۰۰ مسجد کشور خالی است و عبادت در آن انجام نمی‌گیرد. طبق آمار دیانت ترکیه، کارکنان مساجد (امام جماعت، واعظ، خطیب) جمعاً ۷۴۳۶۸ هستند.^{۴۰}

حجاب در ترکیه

یکی از عمده‌ترین شعارهای اسلامی که به جلوه‌ای عمده از اسلام‌گرایی در ترکیه تبدیل شده است، پوشش اسلامی بانوان است که این موضوع در اسلام‌گرایی ترکیه نقش عمده‌ای را تا به حال ایفا کرده است.

۳۷. رابزهرمان؛ «ترکیه میان سکولاریسم و اسلام‌گرایی»؛ ترجمه ع. فتح‌زاده، ترجمان سیاسی، سال ۱۳۷۹ ش، شماره ۴۸، ص ۴۰-۴۱. (به نقل از زارع، محمدرضا؛ علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، صفحه ۱۳۹).

۳۸. «اسلام و مدرنیته در ترکیه»، روزنامه رسالت، ۱۳۷۸/۳/۲۹.

۳۹. صبری سیاری، جریانات اسلامی در ترکیه، ص ۱۴ و ۱۱۱.

۴۰. بدل، حسن؛ «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»؛ مجله طلوع (۲۰۱)، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، قم ۱۳۸۱.

البته تغییراتی دیگر نیز از جمله فرمان خواندن اذان و نماز به زبان ترکی، فرمان تعطیلی دفترهای مذهبی، تغییر تاریخ رسمی از هجری به میلادی، تغییر حروف الفبای رسمی کشور به لاتین، ایجاد مدرسه‌های مختلط و تغییر اسامی و الفاظ عربی و فارسی به لاتین و ترکی کهن ایجاد شد.

اما اکنون با وجود استفاده رسمی خط لاتین در تمامی مناطق کشور ترکیه، بنا بر آخرین آمار موجود در ترکیه حدود ۹۸ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان^{۳۳} و ۲ درصد را مسیحیان و کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می‌دهند. اکنون اگر در ترکیه حدود هجده میلیون علوی (دوازده امامی)، یک میلیون شیعه (جعفریه) و ۷۵۰۰۰۰ جمعیت غیر مسلمان (مسیحی و یهود) باشند، حدود ۴۷ میلیون نفر دیگر سنی‌اند. بیشتر اهل سنت نیز تابع «دیانت»^{۳۴} اند.

رشد اسلام‌گرایی در ترکیه در دو دهه اخیر در عرصه‌های مختلفی صورت گرفته است. «صبری سیاری»، پژوهشگر مؤسسه تحقیقاتی راند آمریکا و مدیر مرکز مطالعات ترکیه در واشنگتن درباره حوزه‌های مختلف این تحولات که در دهه ۱۹۸۰ م اوج گرفت، متذکر دلبستگی مردم ترک به اسلام و مفاهیم اسلامی و افزایش نیروهای مسلمان در قالب احزاب اسلامی، جماعت‌ها و طریقت‌ها، تکیه‌ها، خانقاه‌ها، مؤسسات، مراکز انتشاراتی و علاوه بر اینها پیدایش طبقه جدید روشنفکران شده است.^{۳۵}

روشنفکران مسلمان از دهه ۱۹۸۰ م به بعد در پی ترسیم جامعه اسلامی با ارزش‌های اصیل آن هستند. آنان معتقدند این جامعه نه تنها با علم و فناوری امروزیین تعارضی ندارد، بلکه در این جامعه، علم و فناوری بالنده تر خواهند شد و آن دو را فرعی می‌دانند^{۳۶} و به مدرن شدن جامعه از پایین به بالا معتقد هستند که در این صورت، دین و هنجارهای ارزشی جامعه نیز به حاشیه رانده نمی‌شوند، بلکه در مدرن‌سازی جامعه و

حذف کرد و برای ممنوع کردن تلفظ نام خدا، «واژه به خدا قسم» را نیز از متن سوگند نمایندگان حذف کرد.

۳۳. مسلمانان ترکیه بیشتر پیرو مذهب تسنن هستند که از میان آنها حنفی‌ها بزرگ‌ترین گروه به شمار می‌آیند و بیشتر در مرکز و غرب ترکیه ساکن هستند. شافعی‌ها با جمعیتی کمتر در مناطق شرقی ترکیه مستقر هستند و اکثراً کرد هستند. شمار پیروان مذاهب دیگر بسیار کم است. روی هم رفته پیروان ادیان در ترکیه به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شوند: الف) پیروان دین اسلام که خود به چند مذهب تقسیم می‌شود و مهم آنها عبارتند از: ۱. حنفی‌ها؛ جمعیت قابل ملاحظه‌ای از اهل سنت ترکیه را تشکیل می‌دهند. ۲. شافعی‌ها؛ شاخه‌ای از اهل سنت است که پیروان آن را بیشتر کردها تشکیل می‌دهند. ۳. پیروان سایر فرق اهل سنت. ۴. علویان که خود به چهار دسته تقسیم می‌شود و بنا بر آمار رسمی دولت ترکیه حدود ۱۲ میلیون نفر پیرو دارد. (ب) پیروان ادیان دیگر جز اسلام که در کل دو درصد از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند.

۳۴. بدل، حسن؛ «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»، مجله طلوع (۲۰۱)، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۱.

۳۵. جریانات اسلامی در ترکیه؛ ترجمه حامد صادقی؛ تهران: انتشارات حوزه هنری، ۱۳۷۶، ص ۱۴-۱۵. (به نقل از زارع، محمدرضا؛ علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه؛ صفحه ۱۳۹).

۳۶. «اسلام و مدرنیته در ترکیه»؛ روزنامه رسالت، ۱۳۷۸/۳/۲۹. (به نقل از زارع، محمدرضا؛ علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه؛ صفحه ۱۳۹).

سه روزنامه اسلامی عقیده، نسل جدید و زمان، روزانه حدود ۵۰۰ هزار تیراژ دارند.^{۴۴} نسل جدید در سال ۱۹۸۹، به دلیل درج مقالاتی اهانت آمیز به بنیانگذار جمهوری سکولاریست ترکیه (مصطفی کمال آتاتورک) دو بار توقیف شد. زمان نخستین روزنامه روشنفران اسلامی ترک است که اغلب آنها در خارج تحصیل کرده‌اند. از معروف‌ترین نویسندگان آن، فهمی قورو^{۴۵} را می‌توان نام برد که تجدید نظر در اجرای سکولاریسم در ترکیه را لازم می‌داند.

در ترکیه ۵۰ روزنامه اسلامی نیز منتشر می‌شود که بسته به حجم توزیع و اندیشه‌هایی که مطرح می‌کنند، از یکدیگر متفاوت هستند اما اکثر آنها با طریقه‌های دینی در ارتباط بوده و بیانگر جنبش فکری و فعال احیای اسلامی هستند.^{۴۶}

مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها

یکی از برجسته‌ترین مواردی که بیشتر تحلیل‌گران درباره روند روبه‌رشد اسلام‌گرایی در ترکیه به آن استناد می‌جویند، مدرسه‌های مذهبی «امام خطیب» است.^{۴۷} این مدرسه‌ها از سال ۱۹۴۹ م بر اثر فشار افکار عمومی جامعه ترکیه، که باعث شد نظام لائیک با هدف تربیت ائمه و خطبای دینی دولتی به تاسیس مدرسه‌های امام خطیب اقدام کند. فعالیت‌های خود را شروع کرد که در این مدرسه‌ها علاوه بر درس‌های رایج در دیگر مدرسه‌ها، مواد درسی عربی، قرآن، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام و... نیز تدریس می‌شد که با استقبال چشمگیری به خصوص از جانب فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها روبه‌رو شد.^{۴۸}

البته دلیل اسلام‌گرایی در ترکیه را نمی‌توان خاص این مدرسه‌ها دانست، ولی به هر حال از نقش عمده آنها در اسلام‌گرایی روبه‌رشد ترکیه نباید چشم‌پوشی کرد.^{۴۹}

احزاب اسلامی

در دو دهه اخیر بین ۴۰ تا ۵۰ جماعت، گروه و تشکل اسلامی به وجود آمدند که هر کدام خط مشی و شیوه فعالیت خاص خود را داشتند.

44. Gonul Yakar, 150 Islamic Publication Court Readers, TDN (February 12, 1991), P.5.

45. Bahattin Aksit, Islamic Active in Turkey, a paper Prepared for the Conference on Dynamics of States and Societies in the Middle East, Organized by Center for Political Research and Studies, Cairo University, Cairo: June 17, 1989, P. 1.

۴۶. عبدالله معوض، جلال؛ رشد اطلاع‌رسانی اسلامی در ترکیه پس از ۱۹۸۳ (بخشی از کتاب الإسلام والتعددية في تركيا؛ قاهره: ۱۹۹۴ م، ص ۵۱۴۷، ترجمه: علی زاهد پور.

۴۷. پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی ترکیه، ص ۲۷.

۴۸. محمد رومی؛ «رهگیری فعالیت دست پروردگان غرب در ترکیه»؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۳/۶.

۴۹. به طوری که روزنامه اشپیگل چاپ آلمان در یک گزارش مفصل نوشت: سال گذشته نزدیک به نیم میلیون نفر در این مدرسه‌ها تحصیل می‌کردند و نرخ افزایش آنها ۲۰ درصد است. به عقیده حزب رفاه این مدرسه‌های اسلامی نردبان مطمئن به سوی اسلام است. اشپیگل، «مدارس دینی ترکیه پلکانی مطمئن به سوی اسلام»؛ ترجمه مجله صفحه اول، شماره ۴۳، شهریور ۱۳۷۵ ش، ص ۵۴.

مسئله پوشش اسلامی در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م یکی از گسترده‌ترین صحنه‌های مبارزه اجتماعی بین لائیک‌های حاکم و اسلام‌گرایان بوده و هنوز نیز ادامه دارد.^{۴۱}

در سال ۱۹۸۷ م نخست وزیر وقت ترکیه، تورگوت ازال، اجازه ورود محجبه‌ها را به دانشگاه صادر کرد، ولی رئیس جمهور کشور، کنان اورن، این حکم را بی‌اعتبار دانست. این مسئله در زمان تورگوت ازال جدی‌تر شد و دادگاه دیوان عالی دولتی حجاب را در دانشگاه و مطب و آزمایشگاه و مواردی از این قبیل ممنوع دانست. مردم و دانشجویان تظاهرات بسیار کردند، اما دولت بر این ممنوعیت پا می‌فشرد. این ممنوعیت در آغاز از شهرهای بزرگ مانند استانبول، آنقره، بورسا و ازمیر شروع شد و سال‌های بعد به شهرهای کوچک‌تر هم سرایت کرد.^{۴۲}

انتشارات اسلامی

ترکیه از سال ۱۹۸۳ شاهد تحولات بزرگی در حوزه اطلاع‌رسانی اسلامی. انتشار کتاب، روزنامه و مجلات اسلامی بوده است. البته منظور اطلاع‌رسانی اسلامی از طرق رسمی (حکومتی) که «مدیریت امور دینی» (از اداره‌های دولت سکولاریستی ترکیه) آن را هدایت می‌کند نیست، بلکه مقصود، آن نوع اطلاع‌رسانی است که نقش سخنگوی جنبش احیای اسلامی را بازی می‌کند یا نسبت به اوضاع کنونی که ناهمگون با ارزش‌های اسلام است، موضع انتقادی دارد. اطلاع‌رسانی از یک سو با گروه‌ها و جریان‌های اسلامی در ارتباط است که عملاً به خاطر رشد دموکراسی توانسته‌اند از فعالیت مخفی به فعالیت علنی روی آورند و از سوی دیگر با بنیادهای دینی (غیروابسته به حکومت) و اندیشمندان و فرهنگ‌دوستان اسلامی غیردولتی پیوند دارد.^{۴۳}

مجلات اسلامی

بنا بر ارزیابی یکی از پژوهش‌های آماری در ترکیه، در فوریه ۱۹۹۱، تعداد ۱۵۰ مجله اسلامی ماهانه و هفتگی در تیراژی حدود ۳۵۰ هزار نسخه در این کشور منتشر شده است که بیانگر تمایلات گروه‌های اسلامی در انتشار مجله‌ای به عنوان سخنگوی خود است. از مهم‌ترین این مجلات که در عین حال بیشترین توزیع و تأثیر را نیز در خوانندگان داشته‌اند، مجلات هفتگی مانند وحدت، جمعه و واقعی را می‌توان نام برد که از سال ۱۹۹۰ منتشر شده‌اند.

روزنامه‌های اسلامی

۴۱. رک به: روزنامه‌های اکونومیست، ۱۵ مه ۱۹۹۹ و زوددویچه ساینونگ.

۴۲. بدل، حسن؛ «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»، مجله طلوع (۲۰۱)، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، قم ۱۳۸۱. در سال ۱۹۹۵ م ۵۶ سرهنگ ارتش ترکیه به سبب محجبه بودن زنان آنان اخراج شدند. در سال ۱۹۹۶ م زنان محجبه از ورود به اردوگاه‌ها محروم شدند. در سال ۲۰۰۰ م یکی از گویندگان رادیو و تلویزیون در یک برنامه به گونه‌ای وقیحانه به زنان محجبه اهانت کرد. برخی نیز در خیابان به زنان محجبه توهین می‌کردند.

۴۳. عبدالله معوض، جلال؛ رشد اطلاع‌رسانی اسلامی در ترکیه پس از ۱۹۸۳ (بخشی از کتاب الإسلام والتعددية في تركيا؛ قاهره، ۱۹۹۴ م، ص ۵۱۴۷)، ترجمه: علی زاهد پور.

۱۷. صابر قاسمی؛ ترکیه (کتاب سبز)؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۱۸. صبری سیاری؛ جریان‌ات اسلامی در ترکیه؛ ترجمه احمد صادقی، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۹. عبدالله معوض، جلال؛ الإسلام والتعددية في ترکیه؛ ترجمه علی زاهدپور؛ قاهره: ۱۹۹۴ م.
۲۰. عبدالمنعم، حسن؛ «هل ینجح المسلمون، فی اقامة السوق المشتركة»؛ العالم، ۲۱، ۵۷۴، یونیه ۱۹۹۷.
۲۱. قاسمی، محمدعلی؛ «اسلام و مدرنیته در ترکیه»، روزنامه رسالت، ۱۳۷۸/۳/۲۹.
۲۲. قدوح، انعام احمد؛ پژوهشی درباره سیاست دینی، لائیک و سکولار؛ ترجمه عباس طالب زاده شوشتری، مشهد؛ مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۲۳. کوسمه، فاروق، لائیسیم در ترکیه.
۲۴. نامور حقیقی، علی رضا، پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام گرایي ترکیه؛ تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. هرمان، رانیر؛ «ترکیه میان سکولاریسم اسلام گرایي»؛ ترجمه ع. فتاح زاده، ترجمان سیاسی، شماره ۴۸، ۱۳۷۹.
۲۶. وردی نژاد، فریدون؛ «جهانی شدن، جامعه اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی»؛ وب سایت شخصی.
۲۷. وندی کریستینانسن لویت؛ «اسلام گرایي در ترکیه»؛ ترجمه غ. رضایی نصیر، ترجمان سیاسی، شماره ۱۶۱.
۲۸. یحیی آربن پور؛ از نیما تا روزگار ما؛ تهران: زوار، ۱۳۸۷، ج ۳، بخش تغییر خط فارسی.
۲۹. دانشنامه آزاد، سه فهرست، اثنولوگ، انکارنا، Retrieved on ۲۰۰۷. ۲۰۰۶. ۱۸-۰۲
۳۰. روزنامه‌های اکونومیست، ۱۵ مه ۱۹۹۹ و زوددویچه سایتونگ.
۳۱. سایت کتاب حقایق جهان، CIA.
۳۲. شورای عالی اسلامی آمریکا، سایت.
۳۳. مجله نقطه، ۳۱ مرداد ۱۳۷۲ ش، چاپ ترکیه.

جماعت‌هایی نظیر «مظهر جیلار»، «یازی جیلار»، «منزل جیلار»، «علم جیلار»، «مدزها جیلار» و گروه‌های مسلح اسلام‌گرا نظیر «حزب اسلامی کردستان» و «حزب الله ترکیه» از این جمله هستند.

نتیجه

درباره خط عربی و مسلمانان، می‌توان سرفصل‌های بسیاری تعریف کرد و به آن پرداخت که این نوشتار از باب شروع ابتدایی در این موضوع می‌تواند دارای نقص‌هایی باشد که نویسنده بر آن واقف است، اما از باب توجه دادن خوانندگان مطالبی گذرا عنوان شد تا شاید فتح بابی در این موضوع شود.

درج این مقاله حداقل می‌تواند سبب شود تا به سرعت درباره موضوع تغییر خط عربی، اظهار نظر نماییم و یا اینکه اگر نمی‌توانیم شرایط و امکانات تحقیق و پژوهش درباره «تأثیر تغییر خط بر میراث اسلامی و مسلمانان» را فراهم آوریم، صبوری کنیم و حرکت و جریان تغییر آن را به دست تقدیر بسپاریم. یا متوقف می‌گردد و یا تغییر محقق می‌شود.

کتابنامه

۱. ابن بی بی، یحیی ابن محمد؛ اخبار سلاجقه روم؛ به اهتمام محمد جواد مشکور، تبریز: کتابفروشی تهران ۱۳۵۰ ش.
۲. ابوالقاسمی، محمد جواد و اردوش، حسین؛ ترکیه در یک نگاه؛ تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.
۳. استادی، کاظم؛ دانشنامه خط فارسی، قم: ۱۳۹۰.
۴. استادی، کاظم؛ کتابشناسی خط فارسی؛ قم: ۱۳۹۰.
۵. اسماعیل حقی و اوزون چارش لی؛ تاریخ عثمانی؛ ترجمه ایرج نوبخت؛ تهران: کیهان، ۱۳۶۸ ش.
۶. اشپیگل؛ «مدارس دینی ترکیه پلکانی مطمئن به سوی اسلام»؛ ترجمه مجله صفحه اول، شماره ۴۳، شهریور ۱۳۷۵ ش.
۷. انصاری، جواد؛ ترکیه در جستجوی نقش تازه در منطقه؛ تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۸. بدل، حسن؛ «شرایط دینی و مذهبی کشور ترکیه»؛ مجله طلوع (۲ و ۱)، مدرسه عالی امام خمینی (ره)، قم ۱۳۸۱.
۹. بوتین، سخنان رئیس جمهور روسیه، در جمله در اجلاس سال ۲۰۰۳ سران سازمان کنفرانس اسلامی در کوالالمپور.
۱۰. دکمجان، هرایر؛ جنبش‌های اسلامی در جهان عرب؛ ترجمه حمید احمدی؛ تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ انتشارات دهخدا.
۱۲. رایز هرمان؛ ترکیه میان سکولاریسم و اسلام گرایي؛ ترجمه ع. فتاح‌زاده؛ ترجمان سیاسی، سال ۱۳۷۹ ش، شماره ۴۸.
۱۳. رومی، محمد؛ رهگیری فعالیت دست پروردگان غرب در ترکیه؛ روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۶/۳/۶.
۱۴. زارع، محمدرضا؛ علل رشد اسلام گرایي در ترکیه.
۱۵. سیداحمد موثقی؛ جنبش‌های اسلامی معاصر؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۴.
۱۶. شای لی، اشپیگلمن؛ اسلام و اینترنت؛ رک به؛ وب سایت دانشگاه هاروارد.

